

بازشناسی شخصیت «ابن ابی جید»، اثبات وثاقت و نقش آفرینی وی در انتقال تراث حدیثی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۲۹

جواد نفری^۱
علی عندلیبی^۲
مهدی غلامعلی^۳

چکیده

معرفی علی بن احمد ابن ابی جید، وثاقت و نقش آفرینی وی در انتقال تراث حدیثی در سده چهارم هجری مسألتی است که این پژوهش را سامان داده است. جایگاه ویژه وی در تراث پژوهی، حضورش در اسناد روایات مهمی چون زیارت عاشورا، پرورش شاگردانی بسان نجاشی و طوسی و فقدان توثیق خاص بر اهمیت این پژوهش می افزاید. این نوشتار به شیوه کتابخانه‌ای و روش تحلیلی و تطبیقی، با مطالعه موردی فهارس نجاشی و طوسی سامان یافته است. دستاورد این پژوهش را می توان نخست در شناسایی نقش ابن ابی جید در انتقال افزون بر سیصد اثر حدیثی از یکصد و سی شش راوی و اجازه نقل دویست کتاب مشهور از چهل و چهار راوی دانست. همچنین برای نخستین بار با تکیه بر سه قاعده از قواعد توثیقات عام (توثیق مشایخ نجاشی، توثیق مشایخ اجازه و اکثار أجال)، روش فهرستی و مسأله شهرت راوی، وثاقت ابن ابی جید را اثبات و نقش پررنگ وی را در انتقال تراث حدیثی برنموده ایم. کلیدواژه‌ها: ابن ابی جید، مشایخ نجاشی، وثاقت، فهارس امامیه، انتقال تراث حدیثی.

۱. درآمد

«علی بن احمد ابن ابی جید قمی»، از محدثان بزرگ شیعه در سده چهارم هجری است.

۱. عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه آزاد اسلامی واحد بویین زهرا (نویسنده مسئول) (j_nafari@yahoo.com).
۲. استاد درس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه (andalibi3@yahoo.com).
۳. عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث قم (mahdigh53@gmail.com).

بررسی وثاقت و بازشناسی جایگاه علمی و حدیثی این محدث، دغدغه‌ای است که این قلم را به پژوهش تهییج کرده است. عدم توثیق خاص وی در منابع رجالی کهن، حضور او را در نقل روایات تأمل برانگیز کرده است. اهمیت این پژوهش از آن رواست که «ابن ابی جید» واسطه نقل ده‌ها کتاب از تراث امامیه و اصول اولیه حدیثی به نسل پسین خویش است. در کتاب‌های فهارس نجاشی و طوسی بیش از یکصد مورد از وی نقل شده است. همچنین وی استاد بسیاری از بزرگان رجالی و حدیثی، مانند شیخ نجاشی و شیخ طوسی است^۱ و در اسناد روایات مهم و برخی از ادعیه و زیارات مانند زیارت عاشورا حضور دارد.^۲

در نوشتار پیش رو، ضمن بازکاوی شخصیت «ابن ابی جید»، و برشمردن نقش فهرستی وی با بیان ادله توثیق عام و نظرگاه فهرستی سعی در توثیق وی داریم.

۲. شخصیت رجالی - حدیثی ابن ابی جید

ابوالحسین علی بن احمد بن محمد بن طاهر اشعری، مشهور به «ابن ابی جید» قمی (زنده در قرن چهارم هجری) منسوب به خاندان اشعری قم است.^۳ محمد بن حسن بن ولید قمی،^۴ علی بن احمد دلال قمی^۵ و احمد بن محمد بن یحیی^۶ (فرزند محمد بن یحیی عطار قمی) از مهم‌ترین اساتید وی به شمار می‌آیند.

ابن ابی جید قمی در حدود سال ۳۸۰ ق، از قم هجرت کرد و به شهر بغداد رفت. در این شهر بود که نجاشی (م ۴۵۰ ق) و شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) به محضر این استاد بزرگ حدیث شتافتند. این محدث بیشتر عمر خود را در سده چهارم هجری سپری کرده است.

در بازخوانی فهارس امامیه نام ابن ابی جید به عنوان یک شخصیت پرتلاش و مؤثر در

۱. معجم رجال الحدیث، ج ۱۲، ص ۲۷۷

۲. مصباح المتجهد، ص ۶۳۶. سند را از صالح بن عقبه و سیف بن عمیره نقل می‌کند و آن دوازده علقمه حضرمی و با توجه به فاصله زمانی ایشان با صالح بن عقبه واسطه خود تا ایشان را در کتاب فهرست نقل کرده است. در این نقل، ابن ابی جید به عنوان استاد ایشان در سند واقع شده و برای اثبات صحت طرق شیخ و در نتیجه صحت این سند از زیارت عاشورا بررسی وثاقت ایشان از اهمیت زیادی برخوردار است (الفهرست، ص ۴۷، ش ۳۶۲).

۳. تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۶۷؛ ریحانة الادب، ج ۷، ص ۳۳۲؛ قاموس الرجال، ج ۷، ص ۲۶۷ و ۳۶۱؛ رجال النجاشی، ص ۱۰۴ و چند منبع دیگر.

۴. رجال النجاشی، ص ۳۸۳، ش ۱۰۴۲؛ فهرست الطوسی، ص ۴۴۲، ش ۷۰۹؛ رجال الطوسی، ص ۴۳۹، ش ۶۲۷۳.

۵. قاموس الرجال، ج ۷، ص ۳۶۱؛ الغیبة (طوسی)، ص ۲۹۳ و ۳۶۵.

۶. طبقات الفقهاء، ج ۴، ص ۹۵؛ فهرست الطوسی، ص ۱۴۵ و ۱۴۶.

انتقال بسیاری از تراث همواره تابناک است و به جرأت می‌توان نقش وی را در انتقال تراث محدثان سده چهارم و پیش از آن، به طبقه محدثان سده پنجم، ممتاز ارزیابی کرد

۳. نقش ابن ابی جید در انتقال تراث امامیه

نجاشی و شیخ طوسی آثار حدیثی یکصد و هفتاد نویسنده (چهل و چهار نفر در رجال النجاشی و یکصد و بیست و شش در فهرست الطوسی) را از ابن ابی جید گزارش کرده‌اند. از آنجا که برخی از نویسندگان، مانند ابن ابی عمیر، حسین بن سعید و صفوان بن یحیی ده‌ها کتاب نوشته‌اند، می‌توان مدعی شد که وی چند صد کتاب را سماع و یا قرائت کرده بود و به نسل بعد از خود نیز آن‌ها را منتقل ساخته بود.

در نوشتار پیش رو، معیار بازشناسی کتاب‌های مشهور، گاه تصریح فهرس نگاران و گاه عباراتی بود که به اذعان محققان برای شناسایی آثار پرمراجعه و مشهور قابل اعتماد است. برخی از الفاظ گویای شهرت آثار عبارت‌اند از: «له کتاب کثیر الروایة، له کتاب یرویه جماعة، له کتاب یرویه عدة من اصحابنا، له کتاب بروایات کثیرة، له کتاب رواه غیر واحد و رواه هذا الکتاب کثیرون». در مقابل، عباراتی نظیر «له کتاب لم یروه الا فلان» بیان‌گر عدم شهرت یک اثر است.^۱

۴. ابن ابی جید راوی کتاب‌های مشهور

نام ابن ابی جید در طریق کتاب‌های مشهور سی و چهار نویسنده به چشم می‌خورد. از این تعداد، آثار مشهور دوازده راوی در رجال النجاشی است که عبارت‌اند از: ابراهیم بن ابی البلاد،^۲ اسحاق بن یزید کوفی،^۳ بسطام بن سابور،^۴ ثابت بن شریح،^۵ حفص بن غیاث،^۶ زکریا بن آدم،^۷ زُرعة بن محمّد،^۸ علی بن مهزیار،^۹ علی بن النعمان،^{۱۰} علی بن شجره،^{۱۱} علی بن حسان الواسطی^{۱۲} و محمّد بن سهل بن الیسع.^{۱۳}

نجاشی بیشتر این نویسندگان را توثیق کرده و آثار برخی از ایشان را، مانند علی بن

۱. رجال النجاشی، مقدمه، ص ۱۸۰

۲. همان، ص ۲۲.

۳. همان، ص ۷۲.

۴. همان، ص ۱۱۰.

۵. همان، ص ۱۱۶.

۶. همان، ص ۱۳۴.

۷. همان، ص ۱۷۴.

۸. همان، ص ۱۷۶.

۹. همان، ص ۲۵۳.

۱۰. همان، ص ۲۷۴.

۱۱. همان، ص ۲۷۴.

۱۲. همان، ص ۲۷۴.

۱۳. همان، ص ۲۷۶.

۱۴. همان، ص ۳۶۷.

مهزیار، مشهور ارزیابی کرده است.^۱ وی از کتاب‌های زکریا بن آدم و ثابت بن شریح با عبارات «اخبرنی غیر واحد»^۲ و «یرویه عنه جماعات من الناس»^۳ تعبیر کرده که نشان‌گر شهرت این آثار در آن دوره بوده که گویی شمارگان بازخوانی و تکثیر آن قابل توجه بوده است. نجاشی تمام کتاب‌های این مؤلفان را از استادش «ابن ابی جید» شنیده است.

شیخ طوسی نیز از کتاب‌های بیست و دو نفر از محدثان یاد کرده است که بر اساس معیار پیش‌گفته، از کتاب‌های مشهور در دوره متقدمان به شمار می‌آمده‌اند. در طریق شیخ طوسی به تمام این کتاب‌ها نام استادش «ابن ابی جید» به چشم می‌خورد. مؤلفان این آثار مشهور عبارت‌اند از: احمد بن محمد بن ابی نصر بن زنی (کتاب الجامع)،^۴ احمد بن محمد بن خالد برقی (مجموعه کتاب‌ها)،^۵ احمد بن الحسین بن سعید بن حماد (کتاب الاحتجاج)،^۶ احمد بن عبدوس الخلنجی (کتاب النوادر)،^۷ احمد بن النضر الخزاز،^۸ حسن بن محبوب (کتاب‌های متعدد)،^۹ حسن بن علی بن فضال،^{۱۰} حسین بن سعید اهوازی (تمام کتاب‌های سی‌گانه)،^{۱۱} حماد بن عیسی،^{۱۲} حکم بن حکیم،^{۱۳} زید شحام،^{۱۴} سعدان بن مسلم،^{۱۵} صفوان بن یحیی (کتاب‌های متعدد، حدود سی اثر)،^{۱۶} علی بن حکم،^{۱۷} محمد بن ابی عمیر (بیش از نود کتاب)،^{۱۸} محمد بن حسن صفار قمی،^{۱۹} محمد بن احمد بن یحیی اشعری قمی،^{۲۰} معمر بن خلاد،^{۲۱} نصر بن مزاحم المنقری،^{۲۲} هشام بن سالم،^{۲۳} یحیی

- | | |
|------------------|------------------------|
| ۱. همان، ص ۲۵۳. | ۲. همان، ص ۱۷۴. |
| ۳. همان، ص ۱۱۶. | ۴. فهرست الطوسی، ص ۶۱. |
| ۵. همان، ص ۶۲. | ۶. همان، ص ۶۵. |
| ۷. همان، ص ۶۸. | ۸. همان، ص ۸۱. |
| ۹. همان، ص ۹۶. | ۱۰. همان، ص ۹۷. |
| ۱۱. همان، ص ۱۱۲. | ۱۲. همان، ص ۱۱۵. |
| ۱۳. همان، ص ۱۱۶. | ۱۴. همان، ص ۱۲۹. |
| ۱۵. همان، ص ۱۴۰. | ۱۶. همان، ص ۱۴۵. |
| ۱۷. همان، ص ۱۵۱. | ۱۸. همان، ص ۲۱۸. |
| ۱۹. همان، ص ۲۲۰. | ۲۰. همان، ص ۲۲۱. |
| ۲۱. همان، ص ۲۵۲. | ۲۲. همان، ص ۲۵۴. |
| ۲۳. همان، ص ۲۵۷. | |

بن عمران^۱ و یونس بن عبد الرحمن (کتاب‌های متعدد)^۲.

با توجه به این‌که برخی از نویسندگان فوق مؤلف ده‌ها اثر حدیثی هستند، می‌توان مدعی شد که ابن ابی جید در طریق ده‌ها کتاب مشهور، مانند کتب علی بن مهزیار، کتب محمد بن الحسن بن فروخ، کتاب الجامع احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی، کتب ابن خالد برقی، کتب حسن بن محبوب، کتب صفوان بن یحیی، کتب حسین بن سعید اهوازی، جمیع کتب محمد بن الحسن الصفار و جمیع کتب یونس بن عبد الرحمن قرار داشته است.

به نظر می‌رسد، با توجه به کتب پیشینیان ابن ابی جید در طریق کتاب‌های غیر مشهور، حضور فعال‌تری دارد. گویی وی پیوسته علاقه‌مند سماع، قرائت و اجازه آثار مکتوب پیشینیان بوده است. تلاش در این عرصه، بزرگانی چون نجاشی و طوسی را بر آن داشته است که بهترین اسناد به کتب پیشینیان را از وی دریافت کنند که ذکر برخی از آن‌ها در سطور قبل گذشت.

نام ابن ابی جید در انتقال کتاب‌های یکصد و سی و شش نویسنده در دو کتاب رجال النجاشی (۳۲ نفر)^۳ و فهرست الطوسی (۱۰۴ نفر)^۴ آمده

←

۱. همان، ص ۲۶۰.

۲. همان، ص ۲۶۶.

۳. رک: رجال النجاشی، ص ۸، ش ۴ (سلیم بن قیس)، ص ۲۲، ش ۳۳ (ابراهیم بن ابی البلاء)، ص ۲۳، ش ۳۴ (ابراهیم بن رجاء شیبانی)، ص ۲۴، ش ۴۲ (ابراهیم بن محمد الأشعری)، ص ۲۷، ش ۵۲ (اسماعیل بن آدم)، ص ۳۲، ش ۷۱ (اسماعیل بن جابر الجعفی)، ص ۵۴، ش ۱۲۳ (الحسین بن المختار)، ص ۵۵، ش ۱۲۵ (الحسین بن ثور)، ص ۵۶، ش ۱۳۰ (الحسین بن سیف)، ص ۶۴، ش ۱۵۰ (الحسن بن حمزه)، ص ۷۲، ش ۱۷۲ (اسحاق بن یزید)، ص ۷۷، ش ۱۸۳ (احمد بن الحسن بن سعید)، ص ۱۱۰، ش ۲۸۰ (بسطام بن سابور)، ص ۱۱۶، ش ۲۹۷ (ثابت بن شریح)، ص ۱۲۱، ش ۳۱۲ (جعفر بن سلیمان القمی)، ص ۱۳۴، ش ۳۴۶ (حفص بن غیث)، ص ۱۳۶، ش ۳۴۹ (حفص بن عاصم)، ص ۱۴۹، ش ۳۸۹ (خالد بن جریر)، ص ۱۷۴، ش ۴۵۸ (زکریا بن آدم)، ص ۱۷۶، ش ۴۶۶ (زرعه بن محمد)، ص ۱۸۹، ش ۵۰۳ (سلام بن عبد الله)، ص ۲۱۳، ش ۵۵۷ (عبد الله بن میمون)، ص ۲۴۰، ش ۶۳۷ (عبد الملك بن هارون)، ص ۲۵۳، ش ۶۶۴ (علی بن مهزیار)، ص ۲۷۴، ش ۷۱۹ (علی بن نعمان)، ص ۲۷۴، ش ۷۲۰ (علی بن شجره)، ص ۲۷۶، ش ۷۲۶ (علی بن حسان الواسطی)، ص ۲۸۰، ش ۷۴۲ (العباس بن موسی)، ص ۲۸۴، ش ۷۵۴ (عمر بن عبد العزیز)، ص ۲۹۶، ش ۸۰۵ (عیسی بن عبد الله بن سعد)، ص ۳۱۰، ش ۸۴۷ (الفضیل بن عیاض)، ص ۳۱۴، ش ۵۸۸ (القاسم بن سلیمان)، ص ۳۱۹، ش ۸۴۷ (کلثوم بنت سلیم)، ص ۳۴۰، ش ۹۱۲ (محمد بن بندار)، ص ۳۵۴، ش ۹۴۸ (محمد بن الحسن بن فروخ)، ص ۳۵۶، ش ۹۵۴ (محمد بن عبد الله الهاشمی)، ص ۳۶۴، ش ۹۸۱ (محمد بن عمر بن یزید)، ص ۳۶۷، ش ۹۹۶ (محمد بن سهل بن یسع)، ص ۳۶۹، ش ۱۰۰۱ (محمد بن عمر بن سعید)، ص ۳۸۳، ش ۱۰۴۲ (محمد بن الحسن بن احمد بن الولید)، ص ۴۲۱، ش ۱۱۲۹ (منیه بن عبد الله)، ص ۴۵۸، ش ۱۲۵۰ (ابو حیون)، ص ۴۵۸، ش ۱۲۵۱ (ابو حبیب النجاشی)، ص ۴۵۹، ش ۱۲۵۲ (ابو الجوزاء التمیمی)،

۴. رک: فهرست الطوسی، ص ۳۶، ش ۷ (ابراهیم بن محمد)، ص ۳۹، ش ۹ (ابراهیم بن اسحاق)، ص ۴۱، ش ۱۳ (ابراهیم بن عثمان)، ص ۴۱، ش ۱۴ (ابراهیم بن محمد الأشعری)، ص ۴۳، ش ۲۱ (ابراهیم بن مهزم الاسدی)، ص ۴۲، ←

→ ش ۲۲ (ابراهیم بن ابی الالباء)، ص ۵۱، ش ۳۸ (اسماعیل بن زیاد السکونی)، ص ۵۱، ش ۳۹ (اسماعیل بن عبد الخالق)، ص ۵۱، ش ۴۰ (اسماعیل بن ابان)، ص ۵۳، ش ۴۹ (اسماعیل بن جابر)، ص ۵۴، ش ۵۳ (اسحاق بن جریر)، ص ۵۵، ش ۵۴ (اسحاق بن آدم)، ص ۵۹، ش ۶۲ (ابان بن عثمان)، ص ۶۱، ش ۶۳ (احمد بن محمد بن ابی نصر البزنطی)، ص ۶۲، ش ۶۵ (احمد بن محمد بن خالد برقی)، ص ۶۵، ش ۶۷ (احمد بن الحسین بن سعید)، ص ۶۸، ش ۷۴ (احمد بن عبدوس الخلنجی)، ص ۶۹، ش ۷۶ (احمد بن ابی زاهر)، ص ۷۰، ش ۷۸ (احمد بن اسحاق بن عبد الله)، ص ۸۱، ش ۱۰۱ (احمد بن النضر الخزار)، ص ۸۲، ش ۱۰۲ (احمد بن عبید الله بن یحیی بن خاقان)، ص ۸۲، ش ۱۰۳ (احمد بن عمر الحلال)، ص ۸۵، ش ۱۱۹ (اصبغ بن نباته)، ص ۸۶، ش ۱۲۰ (ادریس بن عبد الله بن سعد الاشعری)، ص ۸۶، ش ۱۲۳ (اسباط بن سالم)، ص ۸۸، ش ۱۲۶ (بکر بن محمد الازدی)، ص ۸۸، ش ۱۲۷ (بکر بن صالح الاززی)، ص ۸۹، ش ۱۳۵ (بریه النصرانی)، ص ۹۱، ش ۱۴۰ (ثابت بن شریح)، ص ۹۲، ش ۱۴۲ (جعفر بن بشیر البجلی)، ص ۹۴، ش ۱۵۵ (جمیل بن صالح)، ص ۹۵، ش ۱۵۸ (جابر بن یزید الجعفی)، ص ۹۵، ش ۱۵۹ (جارود بن منذر)، ص ۹۶، ش ۱۶۲ (حسن بن محبوب)، ص ۹۷، ش ۱۶۳ (حسن بن الجهم)، ص ۹۷، ش ۱۶۴ (حسن بن علی بن فضال)، ص ۹۹، ش ۱۷۲ (حسن بن موسی)، ص ۱۰۲، ش ۱۸۵ (حسن بن علی بن حمزه)، ص ۱۰۴، ش ۱۹۶ (حسن بن راشد)، ص ۱۰۸، ش ۲۰۷ (حسین بن علوان)، ص ۱۱۲، ش ۲۳۰ (حسین بن سعید اهوازی)، ص ۱۱۳، ش ۲۳۱ (حسین بن ثور)، ص ۱۱۵، ش ۲۴۰ (حماد بن عثمان)، ص ۱۱۵، ش ۲۴۱ (حماد بن عیسی)، ص ۱۱۷، ش ۲۴۸ (الحکم بن حکیم)، ص ۱۱۹، ش ۲۵۱ (حجر بن زانده)، ص ۱۲۲، ش ۲۶۵ (الحارث بن المغیره)، ص ۱۲۲، ش ۲۶۶ (خالد بن ماد)، ص ۱۲۶، ش ۲۸۴ (داود بن فرقد)، ص ۱۲۶، ش ۲۸۵ (داود بن سرحان)، ص ۱۲۷، ش ۲۸۹ (ذریح المحاری)، ص ۱۲۷، ش ۲۹۰ (ربیع بن محمد)، ص ۱۲۹، ش ۲۹۶ (رفاعة بن موسی)، ص ۱۲۹، ش ۲۹۸ (زید الشحام)، ص ۱۳۲، ش ۳۱۲ (زکریا المومن)، ص ۱۳۲، ش ۳۰۸ (زکریا بن آدم)، ص ۱۳۴، ش ۳۱۳ (زرعه بن محمد)، ص ۱۳۸، ش ۳۲۶ (سلیمان بن داود)، ص ۱۳۸، ش ۳۲۷ (سلیمان الدیلمی)، ص ۱۳۹، ش ۳۳۰ (سوید القلاء)، ص ۱۴۰، ش ۳۳۴ (سلمه بن الخطاب)، ص ۱۴۰، ش ۳۳۶ (سعدان بن مسلم)، ص ۱۴۱، ش ۳۳۷ (سالم بن مکرم)، ص ۱۴۲، ش ۳۳۸ (سلیمان الفارسی)، ص ۱۴۲، ش ۳۳۹ (سهیل بن زیاد الادمی)، ص ۱۴۲، ش ۳۴۰ (سهیل بن زیاد)، ص ۱۴۳، ش ۳۴۶ (سلیم بن قیس الهلالی)، ص ۱۴۴، ش ۳۵۰ (شعیب بن یعقوب)، ص ۱۴۵، ش ۳۵۶ (صفوان بن یحیی)، ص ۱۴۷، ش ۳۵۷ (صفوان بن مهران)، ص ۱۴۷، ش ۳۶۱ و ۳۶۲ (صالح بن عقبه و صالح بن ابی الاسود)، ص ۱۴۸، ش ۳۶۳ (صالح بن سعید)، ص ۱۴۹، ش ۳۷۱ (طلحه بن زید)، ص ۱۵۰، ش ۳۷۳ (ظریف بن ناصح)، ص ۱۵۱، ش ۳۷۶ (علی بن الحکم)، ص ۱۵۳، ش ۳۸۱ (علی بن محمد بن سعد اشعری)، ص ۱۶۳، ش ۴۲۶ (علی بن عبد الله)، ص ۱۶۷، ش ۴۳۷ (عبد الله بن الحکم)، ص ۱۶۷، ش ۴۳۸ (عبد الله بن محمد المزخرف)، ص ۱۶۷، ش ۴۳۹ (جعفر الحمیری القمی)، ص ۱۶۸، ش ۴۴۱ (عبد الله بن یحیی الکاهلی)، ص ۱۶۸، ش ۴۴۲ (عبد الله بن میمون)، ص ۱۷۲، ش ۴۵۳ (عبد الله بن جبلة)، ص ۱۷۴، ش ۴۶۴ (عبد الله بن قاسم الحضرمی)، ص ۱۷۴، ش ۴۶۵ (عبد الله بن محمد)، ص ۱۷۵، ش ۴۶۸ (عبد الله بن عبد الله الدهقان)، ص ۱۷۹، ش ۴۸۲ (عبد الملک بن عنتره الشیبانی)، ص ۱۸۰، ش ۴۸۷ (عمرو بن سعید الزیات)، ص ۱۸۷، ش ۵۱۷ (عیسی بن عبد الله القمی)، ص ۱۸۹، ش ۵۲۴ (عیسی بن عبد الله الهاشمی)، ص ۱۹۲، ش ۵۴۴ (عنسه بن بجاد العابد)، ص ۱۹۳، ش ۵۴۷ (العیص بن القاسم)، ص ۲۰۱، ش ۵۷۲ (فضل بن عبد الله)، ص ۵۸۲، ش ۲۰۳ (کلیب بن معاویه الاسدی)، ص ۲۰۵، ش ۵۸۶ (محمد بن علی الحلبی)، ص ۲۰۶، ش ۵۹۲ (محمد بن سلیمان الدیلمی)، ص ۲۰۷، ش ۵۹۳ (محمد بن عمر الزیات)، ص ۲۱۵، ش ۶۰۶ (محمد بن عمر بن یزید)، ص ۲۱۵، ش ۶۰۸ (محمد بن سالم بن ابی سلمی)، ص ۲۱۸، ش ۶۱۷ (محمد بن ابی عمیر)، ص ۲۲۰، ش ۶۲۱ (محمد بن الحسن الصفار)، ص ۲۲۱، ش ۶۲۲ (محمد بن احمد بن یحیی بن عمران)، ص ۲۲۴، ش ۶۲۹ (محمد یکنی ابا حاتم)، ص ۲۲۵، ش ۶۳۰ (محمد بن عبد الجبار)، ص ۲۲۵، ش ۶۳۲ (محمد بن فضیل الازرق)، ص ۲۳۵، ←

→ است. ^۱گفتنی است که شیخ طوسی در کتب حدیثی نیز از ابن ابی جید حدیث نقل کرده است. ^۲

۵. قرآینی بروثاقت ابن ابی جید

اگرچه در جای جای دو کتاب فهرست نجاشی و شیخ طوسی نام «ابن ابی جید» در سلسله طرق کتاب های حدیثی به چشم می خورد، اما با کمال تأسف مدخلی درباره وی در این کتاب ها دیده نمی شود. عدم یادکرد از وی در کتاب های فهرس شاید از آن رو باشد که وی نویسنده نبوده است و تنها به عنوان راوی آثار پیشینیان به شمار می آمده است؛ اما در منابع رجالی کهن نیز توثیق و یا یادکردی به عنوان یک مدخل دیده نمی شود.

خوشبختانه شماری از رجالیان متأخر از وی به بزرگی یاد کرده و ابن ابی جید را توثیق کرده اند؛ اما مستندی برای این توثیقات ارائه نکرده اند. به نظر می رسد از راه گردآوری قرآین و توثیقات عام پی به توثیق وی برده اند. به عنوان نمونه میرزا محمد بن علی استرآبادی (م ۱۰۲۸ ق) می نویسد:

از سخن تمام عالمان شیعی بدست می آید که همگی بر این محدث قمی اعتماد دارند و روایاتی را که از او نقل شده، به عنوان روایات صحیح و یا حسن به شمار می آورند.^۳

سید محمد میرداماد، به مناسبتی در تجلیل گروهی از محدثان شیعی می نگارد: «این نکته را خوب بدان که فقیهان و محدثان سده های سوم و چهارم هجری قمری مشایخ و

→ ش ۷۰۵ (محمّد بن مبشر)، ص ۲۳۶، ش ۷۰۶ (محمّد بن اسماعیل بن بزيع)، ص ۲۴۲، ش ۷۱۵ (موسی بن سعدان)، ص ۲۴۲ ش ۷۱۷ (موسی بن بکر)، ص ۲۴۳، ش ۷۱۸ (موسی بن القاسم)، ص ۲۵۱، ش ۷۵۹ (منخل بن جمیل)، ص ۲۵۲، ش ۷۶۴ (معمربن خالد)، ص ۲۵۴، ش ۷۷۳ (نصر بن مزاحم)، ص ۲۵۷، ش ۷۸۱ (وهب بن حفص)، ص ۲۵۷، ش ۷۸۱ (هشام بن سالم)، ص ۲۵۹، ش ۷۸۴ (هارون بن الجهم)، ص ۲۵۹، ش ۷۸۵ (هارون بن مسلم)، ص ۲۶۰، ش ۷۹۰ (یحیی بن عمران)، ص ۲۶۶، ش ۸۱۳ (یونس بن عبد الرحمن)، ص ۲۶۷، ش ۸۱۶ (یزید بن اسحاق)، ص ۲۶۹، ش ۸۲۹ (ابوداود المسترق)، ص ۲۷۱، ش ۸۴۰ (ابوصباح الكنانی)، ص ۲۷۱، ش ۸۴۱ (ابوربيع الشامی)، ص ۲۷۱، ش ۸۴۲ (ابو الحسن اللیثی)، ص ۲۷۲، ش ۸۴۴ (ابوحمز الغنوی)، ص ۲۷۲، ش ۸۴۵ (ابوبدر)، ص ۲۸۱، ش ۹۰۲ (الغفاری)، ص ۲۸۱، ش ۹۰۳ (الخیبری).

۱. شمار اندکی از این اسامی در دو کتاب مشترک هستند.

۲. به عنوان نمونه رک: الاستبصار، ج ۱، ص ۵۸، ۷۳، ۲۹۸؛ ج ۲، ص ۴، ۶؛ ج ۳، ص ۲۲۹، ۳۱۱، ۳۲۵، ۳۲۷ و...

۳. منهج المقال، ص ۳۹۷.

استادانی داشته‌اند که در قدر و منزلت آنان سخن‌ها گفته، از آن‌ها اخبار فراوانی نقل کرده و در جای جای آثار مکتوب خویش از آن استادان با واژه‌های «رضی الله عنه» و «رحمه الله تعالی» یاد نموده‌اند. این سلسله از بزرگان حوزه حدیث از صاحبان وجاهت و موقعیت رفیع‌اند و کاملاً مورد اعتماد و بزرگواریند. به این جهت، تفاوت نمی‌کند که در کتاب‌های تراجم از آنان به عنوان «ثقه» نام ببرند یا نه. یکی از این محدثان، علی بن احمد بن ابی جید قمی است. نکته‌ای که یادآوری آن سودمند است این است که سند روایتی ابن ابی جید بهتر و عالی‌تر از سند شیخ مفید است؛ چون ابن ابی جید از استاد فقه و حدیث، محمد بن حسن بن ولید قمی بدون واسطه خبر نقل می‌کند؛ در حالی که شیخ مفید به واسطه شیخ صدوق از ابن ولید روایت نقل می‌کند.^۱

محمد بن حسن بن شهید ثانی (م ۱۰۳۰ق) در کتاب استقصاء الاعتبار فی شرح الإستبصار تصریح می‌کند که ظهور عملکرد علمای شیعه همواره بر اعتماد به ابن ابی جید بوده است و چرایی آن را اینگونه توصیف می‌کند «لأنه من الشيوخ المعتمدين».^۲ شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴ق) نیز در خاتمه وسائل الشیعة - فائده دوازدهم - می‌نویسد: «اصحاب حدیث روایات او را حسن و صحیح می‌دانند».^۳

همچنین ابوعلی حائری (م ۱۲۱۶ق) ضمن یادکرد سخنان محقق بحرانی بروثاقت وی اینگونه تأکید می‌کند: «محقق بحرانی گوید: این که شیخ طوسی در کتاب رجال، فهرست و دو کتاب معروف حدیث خود - تهذیب الأحکام و الإستبصار - بسیار فراوان از او نقل می‌کند، نشانه وجاهت، عدالت، فضل و کمال این راوی و استاد حدیث است».^۴

محقق گرانمایه سید محسن امین نیز در اعیان الشیعه چنین می‌نگارد: «جای هیچ شک و شبهه‌ای در عظمت، جلالت و وجاهت ابن ابی جید قمی نیست؛ چون او یکی از استادان حوزه حدیث و اجازه شیعه است. این که دانشوران تراجم، به روشنی به وثاقت او اشاره نکرده‌اند، بدین لحاظ است که قدر و منزلت و بزرگواری او شهره آفاق و مقبول همه ترجمه‌نویسان بوده و قهراً نیازی نمی‌دیدند واژه وثاقت و وجاهت را برای وی بکار برند»^۵

۱. الرواشح السماویة، ص ۱۷۰ و ۱۷۱.

۲. استقصاء الاعتبار فی شرح الإستبصار، ج ۷، ص ۳۹۹.

۳. الفائدة الثانية عشرة من خاتمة «وسائل الشیعة»، باب ما صدر باین، ص ۵۶۳.

۴. منتهی المقال فی أحوال الرجال، چاپ قدیم بدون شماره صفحه، کتابخانه مسجد اعظم قم.

۵. اعیان الشیعة، ج ۸، ص ۱۶۰.

گذشته از سخن رجالیان متأخر، می‌توان دلایل و یا قراین دیگری را نیز برای توثیق ابن ابی جید در گستره توثیقات عام برشمرد. در ادامه به برخی از این قراین و دلایل اشاره خواهیم کرد:

۵ - ۱. قرینه اول. قاعده توثیق مشایخ نجاشی

قاعده توثیق مشایخ نجاشی از مشهورترین قواعد توثیقات عام است که پیشینه آن به آثار رجالی علامه حلی (م ۷۲۶ق) بازمی‌گردد.^۱ رجالیان در پذیرش این قاعده هم‌داستان نیستند؛ برخی نظیر سید بحر العلوم (م ۱۲۱۲ق)، ضمن مستندسازی این قاعده دفاع جدی از این نظریه نموده و بر این باور است که می‌توان پذیرفت مشایخ حدیثی نجاشی ثقه هستند و او همواره ملتزم بوده است تا تنها از استادانی روایت کند که «ثقه» هستند. بحر العلوم با تحلیل عبارات نجاشی درباره شماری از مشایخ، دلالت این عبارات بر منس همیشگی نجاشی را در نقل از مشایخ معتمد نه تنها ظاهر، بلکه صریح ارزیابی کرده است.^۲

برخی از مستندات این نظریه تحلیل عبارات نجاشی در ذیل معرفی افرادی چون «جعفر بن محمد بن مالک»،^۳ «ابوعبدالله احمد بن محمد بن عبیدالله بن حسن بن عیاش»^۴ و «محمد بن عبدالله بن محمد ابوالفضل شیبانی»^۵ است. نجاشی، در این مداخل، انتظار ندارد مشایخ بزرگ حدیث - که افرادی ثقه هستند - در نقل روایت، قواعد نقل را رعایت نکرده و از فرد «غیر ثقه» نقل حدیث کنند.

این نظریه نزد جمع قابل توجهی از رجالیان معاصر پذیرفته شده است. آیه الله خویی که بسیاری از قواعد توثیقات عام را نمی‌پذیرد و آن‌ها را تضعیف می‌کند، اما نظریه توثیق مشایخ نجاشی را پذیرفته است و به مستندسازی و تبیین آن روی آورده است.^۶

ابن ابی جید از اساتید مسلم شیخ نجاشی در حدیث است و ده‌ها اثر حدیثی را نجاشی از وی دریافت کرده است و بارها با ادات تحمل «أخبرنا» شاگردی خود را در محضر وی اثبات کرده است. بنابراین، نظریه می‌توان به راحتی وثاقت ابن ابی جید را اثبات کرد. حضور

۱. خلاصة الاقوال، ص ۱۹.

۲. رجال السید بحر العلوم، ج ۲، ص ۹۶-۹۹.

۳. رجال النجاشی، ج ۱، ص ۱۲۲.

۴. همان، ج ۱، ص ۸۵.

۵. همان، ج ۱، ص ۳۹۶، ش ۱۰۵۹.

۶. معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۵.

نقش آفرین وی در انتقال تراث به جناب نجاشی در بخش های پیشین این نوشتار تبیین شد. آیه الله خویی نیز برای توثیق وی از همین قاعده بهره برده و در مدخل مربوط به ایشان می نویسد:

ابن ابی جید هم از مشایخ نجاشی است. بر این اساس، او فردی ثقة است.^۱

۵ - ۲. قرینه دوم. قاعده توثیق مشایخ اجازه

توثیق راویان و محدثانی که در شمار مشایخ اجازه حدیث هستند، از دیرباز معرکه آرای رجالیان بوده است. دست کم سه دیدگاه در مواجهه با این نظریه می شناسیم: شماری از پیشینیان، نظیر شهید ثانی^۲ (م ۹۶۶ق)، محمد پسر شیخ حسن^۳ صاحب معالم (م ۱۰۳۰ق)، علامه مجلسی^۴ (م ۱۱۱۰ق) محقق داماد^۵ (م ۱۳۸۸ق)، محقق بحرانی^۶ (م ۱۱۸۶ق) و گروهی از فقها^۷ باورمند به وثاقت مشایخ اجازه هستند. در مقابل، نظریه رقیب این دیدگاه را پذیرفته و شیخ اجازه را بسان دیگر راویان نیازمند بررسی می داند. آیه الله خویی این دیدگاه را اختیار کرده است.^۸ شماری از محققان، نظیر آیه الله سبحانی، قایل به تفصیل هستند.^۹

پیش تر گذشت که «ابن ابی جید» در طریق ده ها کتاب حدیثی (مشهور و غیر مشهور) بوده و آن ها را به دو شاگرد مبتز خود (نجاشی و طوسی) اجازه داده است. بنابراین، او را باید در شمار مهم ترین مشایخ اجازه ارزیابی کرد که طریق اجازه نقل آثار مهم امامیه نقش آفرین بوده است. بر اساس دیدگاه باورمندان به توثیق مشایخ اجازه، می توان وثاقت ابن ابی جید را با تکیه بر این دیدگاه اثبات کرد.

نکته حایز اهمیت، آن است که با توجه به کثرت علمای شیعه در آن روزگار در بغداد، نجاشی و طوسی او را برای نقل کتب و روایات برگزیده اند و از مشایخ اجازه ایشان است و

۱. مرحوم خویی در همان، ج ۱۲، ص ۲۷۷، ش ۷۹۱۲، در ترجمه ابن ابی جید می فرماید: ثقة لأنه من مشایخ النجاشی.
۲. الرعاية فی علم الدراية، ص ۱۹۲.
۳. استقصاء الاعتبار، ج ۱، ص ۶۵.
۴. روضة المتقين، ج ۴، ص ۲۰۲؛ الوجيزة فی الرجال، ص ۴.
۵. الرواشح السماوية، ص ۱۷۹.
۶. معراج الکمال، ج ۱، ص ۶۴.
۷. مانند: شیخ بهایی در مشرق الشمسين، ص ۸۳؛ مامقانی در مقباس الهدایه، ج ۶، ص ۱۲۸؛ استرآبادی در منهج المقال، ص ۱۴۱.
۸. رک: معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۷۲.
۹. ر.ک: کلیات فی علم الرجال، ص ۳۴۲.

پس از مهاجرت او از قم، از محضراو بهره برده‌اند. خود این مطلب با توجه به موقعیت این دو نفر و آن روزگار بغداد قابل توجه و تأمل است. علامه محمد تقی مجلسی برای اثبات توثیق ابن ابی جید بر همین قاعده تکیه می‌کند و می‌نویسد:

واعلم أن ابن ابی جید لم ینص علیه بمدح ولا ذم، ولکن کان من مشایخ الإجازة للشیخ واعتمد علیه لقرب الأسناد و کثیراً ما یروی عنه و یعد أكثر الأوصحاب خبره صحیحاً لکونه من مشایخ الإجازة.^۱

در تأیید این دیدگاه می‌توان بر سخن علامه مجلسی پای فشرد که می‌گفت:

بزرگانی همچون شیخ طوسی و علامه حلی در هنگام مناقشه در اسناد، نسبت به صاحب کتاب و راویان قبل از صاحب کتاب مناقشه می‌کردند، اما نسبت به مشایخ خودشان و اوایل اسناد مناقشه نمی‌کردند. علت این امر آن بوده که عدالت و وثاقت مشایخ آن‌ها برای ایشان مشهور بوده و احتیاجی به مناقشه نداشته است.^۲

۵ - ۳. قرینه سوم. قاعده اکتار اجلاء

یکی از قواعد توثیقات عام را می‌توان فزونی نقل محدثان بزرگ شیعه (اجلاء) از یک راوی دانست. این قاعده - که با عنوان «اکتار اجلاء» شناخته شده است - مانند دیگر قواعد رجالی موافقان و مخالفانی دارد. پذیرش این دیدگاه در باره راویانی که فاقد توثیق و تضعیف هستند، سبب می‌شود از دایره مجهولان و مهملین به دایره معاریف و موثقین راه پیدا کند. ملاصدرا در فایده پنجم از شرح اصول کافی به این دیدگاه پرداخته است و با تکیه بر همین قاعده، وثاقت ابن ابی جید را اثبات کرده است.^۳ وی بر این باور است که نقل قدمای اصحاب از یک راوی نوعی ذکر است و این کمتر از یادکرد راوی در کتاب‌های رجالی نیست. از سوی دیگر، کثرت نقل روایات توسط بزرگانی چون کلینی، صدوق، مفید و طوسی از اساتید خویش و عدم جرح این مشایخ در منابع رجالی می‌تواند نشان‌گر وثاقت این اساتید حدیث باشد؛ چنان‌که صاحب مُنتقی الجُمان بر اساس برداشت از عبارت کشی در معرفی محمد بن سنان، وی را به دلیل نقل اجلاء از او توثیق کرده است. ملاصدرا این دیدگاه را در

۱. روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۱۴، ص ۹۱.

۲. روضة المتقین، ج ۴، ص ۲۰۲.

۳. شرح أصول الكافي (صدرا)، ج ۱، ص ۱۳۵.

نقل روایت اجلاء از اصول و مصنفات نیز جاری می‌داند و براین اساس تصریح می‌کند که افرادی چون ابوالحسین ابن ابی حنبله، احمد بن محمد بن حسن ولید، احمد بن محمد بن یحیی العطار و محمد بن ماجیلویه توثیق می‌شوند.^۱

۵ - ۴. قرینه چهارم. روش فهرستی

گذشت که ابن ابی حنبله در انتقال تراث امامیه، به ویژه کتاب‌های مشهور، نقش مهم و پررنگی داشته است. براساس دیدگاه فهرستی، فردی که در طریق کتاب‌های مشهور است، بی‌نیاز از توثیق و تضعیف است و به سخن وی اعتماد می‌شود.^۲ مبنای این نظریه امور متعددی است که خاستگاهش را باید در شیوه روایت کردن متقدمان جستجو کرد؛ به عنوان نمونه، شیخ طوسی در کتاب *عدة الاصول*^۳ براین باور است که منهج، مرام و مسلک اصحاب امامیه چنین بوده است که وقتی مدرک فتاویی را از صاحب فتاویی می‌پرسیدند و او در پاسخ، دلیل خود را برخاسته از کتابی معروف یا اصلی مشهور، با ذکر مصدر، بیان می‌کرد و راوی آن ثقه بود و حدیث او منکر محسوب نمی‌شد، فتوای وی معتبر دانسته می‌شد و سخن او پذیرفته می‌شد. این منش از عصر حضور پیوسته بین طایفه امامیه معهود بود و عالمان یکی از ملاک‌های عمل به اخبار را وجود روایت در کتاب‌های معروف و مشهور می‌دانستند.

مصادق این دیدگاه شیخ طوسی را می‌توان در سخنان ابن غضائری، ذیل عنوان حسن بن محمد بن یحیی مشاهده کرد. او حسن بن محمد را فردی کذاب و وضاع حدیث می‌داند و نقل روایات وی را سبب پذیرش و آسودگی شنونده نمی‌داند، مگر مواردی که از کتاب‌های جدش نقل می‌کند.^۴ ابن غضائری دلیل این پذیرش را شهرت این کتاب‌ها برمی‌شمارد. وی همین دلیل را برای پذیرش روایات «سهل بن احمد» و «حسن بن اسد طفاوی» درست می‌داند.^۵

همچنین علامه حلی درباره «احمد بن هلال عبرتایی» نیز می‌گوید:

۱. همان.

۲. رجال النجاشی با تحقیق و تعلیق استاد محمد باقر ملکیان، ص ۱۱.

۳. *عدة الاصول*، ج ۱، ص ۱۲۶-۱۲۷.

۴. مجمع الرجال، ج ۲، ص ۱۵۴.

۵. همان، ج ۲، ص ۹۸؛ ج ۳، ص ۱۷۷.

ابن غضایری در احادیث او توقف کرده است، مگر مواردی که احمد از «حسن بن محبوب» از کتاب مشیخه و یا از «ابن ابی عمیر» از نوادرش نقل کند؛ چراکه اکثر اصحاب احادیث، این دو کتاب (مشیخه و نوادر) را سماع کرده و به آن اعتماد دارند.^۱ بنابراین، دو کتاب یاد شده چون مشهور هستند، روایات «احمد بن هلال» از آن‌ها پذیرفته است. از این رو، می‌توان دریافت که اگر روای ضعیف، فاسدالمذهب و حتی وّضاع هم باشد، هنگامی که از کتاب‌های مشهور نقل می‌کند، روایتش پذیرفته است.

برای دست‌یابی به این گونه نکات، شایسته است به منابع فهرستی (فهارس نجاشی و طوسی) مراجعه کرد و کتاب‌های مشهور از غیر مشهور و روایان آن‌ها را بازشناسی کرد. در ابتدای این مقاله بیان شد که ابن ابی جید راوی کتاب‌های مشهور سی و چهار راوی و ده‌ها کتاب حدیثی غیر مشهور است. بر اساس دیدگاه فهرستی، شخصیت ابن ابی جید قمی - که در انتقال این کتاب‌ها و اصول نقش مهمی داشته است - اساساً در کتاب‌ها و اصول مشهور نیازی به بررسی ندارد و نداشتن توثیق خاص، به احادیث وی در این گونه کتاب‌ها آسیبی نمی‌رساند.

همچنین می‌توان اعتماد دائمی و پیوسته دو شخصیت بزرگ سده پنجم در عرصه کتاب‌شناسی (نجاشی و طوسی) را به ابن ابی جید قرینه‌ای بروثاقت و اعتبار وی دانست.

۵ - ۵. قرینه پنجم. شهرت

گمانه‌ای بر این استوار است که سبب عدم توثیق برخی از افراد در کتب رجالی، «شهرت» ایشان بوده است. این گمانه به گونه‌ای در مقام تبیین و تحلیل چرایی عدم یادکرد مشاهیر در منابع رجالی است. به بیان دیگر، وثاقتِ راویان مشهور نزد نویسندگان کتاب رجالی آشکار بوده و آن‌ها در تصریح به وثاقت ایشان ضرورتی نمی‌دیدند. شهید ثانی در کتاب الدرایه می‌نویسد:

عدالت راوی با تصریح دو نفر عادل یا استفاضه در نقل از او شناخته می‌شود؛ مانند مشایخ گذشته ما از زمان کلینی تا زمان ما که درباره بسیاری از اساتید، هر چند تصریح بر پاکی یا وثاقت آنان نیست، ولی شهرت آنان در هر عصری که می‌زیستند، دلیل محکمی بر عدالت و وثاقت و ضبط آنان است.

همان‌طور که از این عبارت روشن برمی‌آید، شهید ثانی معتقد است که مشایخ شیعیان

۱. خلاصه الاقوال، ص ۲۰۲، ش ۶.

از زمان کلینی تا زمان او احتیاجی به تنصیص عدالت و شهادت علما ندارند؛ زیرا ایشان در هر زمانی بروثاقت و ورع شهرت داشته‌اند.

همچنین نزدیک به این دلیل را صاحب معالم در فواید منتقی الجمان ذکر کرده است.^۱ با تأملی در شیوه اجازه نقل روایت و یا کتاب‌های روایی در طرق تحمل حدیث، می‌توان دریافت شخصیتی که در انتقال چند صد کتاب حدیث نقش دارد، نمی‌تواند فردی گمنام و ناشناس باشد؛ به ویژه آن‌که شاگردانی چون نجاشی و طوسی این آثار را از وی دریافت کرده باشند. بر پایه آنچه در عبارت آمد، می‌توان شهیر بودن ابن ابی جید را دلیلی بر آن دانست که رجالیان نیازی به توثیق وی نمی‌دیدند.

۶. جمع بندی

در نوشتار حاضر، ضمن بازکاوی شخصیت «ابن ابی جید»، و برشمردن نقش فهرستی وی با بیان ادله توثیق عام و نظرگاه فهرستی سعی در توثیق وی صورت پذیرفت. شمار قابل توجهی از کتاب‌های حدیثی شیعه توسط علی بن احمد بن محمد بن طاهر اشعری مشهور به ابن ابی جید قمی به فهرس نگاران منتقل شده است. در بازخوانی دقیق محقق این نوشتار از دو کتاب فهرست تمام اسامی کتاب‌ها استخراج شد و سپس کتاب‌های مشهور از غیر مشهور تفکیک شد و نام ابن ابی جید در انتقال کتاب‌های یکصد و سی و شش نویسنده در دو کتاب رجال النجاشی (۳۲ نفر) و فهرست الطوسی (۱۰۴ نفر) آمده بود.

نام ابن ابی جید در طریق کتاب‌های مشهور سی و چهار نویسنده به چشم می‌خورد. از این تعداد، آثار مشهور دوازده راوی در رجال النجاشی است، نجاشی تمام کتاب‌های این مؤلفان را از استادش «ابن ابی جید» شنیده است.

شیخ طوسی نیز از کتاب‌های بیست و دو نفر از محدثان یاد کرده است که بر اساس معیار گفته شده در تحقیق از کتاب‌های مشهور در دوره متقدمان به شمار می‌آمده‌اند. در طریق شیخ طوسی به تمام این کتاب‌ها نام استادش «ابن ابی جید» به چشم می‌خورد. با توجه به این‌که برخی از نویسندگان فوق مؤلف ده‌ها اثر حدیثی هستند، می‌توان مدعی شد که ابن ابی جید در طریق ده‌ها کتاب مشهور (افزون بر دو بیست اثر مشهور) قرار داشته است.

۱. منتقی الجمان، ج ۱، ص ۳۹-۴۰.

ابن ابی جید در طریق کتاب‌های غیر مشهور، حضور فعال‌تری دارد؛ گویی وی پیوسته علاقه‌مند سماع، قرائت و اجازه آثار مکتوب پیشینیان بوده است. تلاش در این عرصه، بزرگانی چون نجاشی و طوسی را بر آن داشته است که بهترین اسناد به کتب پیشینیان را از وی دریافت کنند.

با توجه به این‌که برخی از نویسندگان فوق مؤلف ده‌ها اثر حدیثی هستند، می‌توان مدعی شد که ابن ابی جید در طریق ده‌ها کتاب مشهور - افزون بر دو بیست اثر مشهور - قرار داشته است.

اگرچه در جای جای دو کتاب فهرست نجاشی و شیخ طوسی نام «ابن ابی جید» در سلسله طرق کتاب‌های حدیثی به چشم می‌خورد، اما با کمال تأسف مدخلی درباره وی در این کتاب‌ها دیده نمی‌شود. عدم یادکرد از وی در کتاب‌های فهرس شاید از آن رو باشد که وی نویسنده نبوده است و تنها به عنوان راوی آثار پیشینیان به شمار می‌آمده است؛ اما در منابع رجالی کهن توثیق و یا یادکردی به عنوان یک مدخل دیده نمی‌شود.

خوشبختانه شماری از رجالیان متأخر، مانند فاضل استرآبادی، ابوعلی حائری، محقق بحرانی، میرداماد، عبدالله مامقانی، سید محسن امین، علامه حلی و دیگران از وی به بزرگی یاد کرده و ابن ابی جید را توثیق کرده‌اند؛ اما مستندی برای این توثیقات ارائه نکرده‌اند. به نظر می‌رسد که از راه گردآوری قرین و توثیقات عام پی به توثیق وی برده‌اند.

گذشته از سخن رجالیان متأخر، می‌توان دلایل و یا قراین دیگری را نیز برای توثیق ابن ابی جید در گستره توثیقات عام بر شمرد که به برخی از این قرین و دلایل اشاره کردیم که عبارت بودند از: قاعده توثیق مشایخ نجاشی، قاعده توثیق مشایخ اجازه، شهرت و روش فهرستی. در توضیح روش فهرستی گذشت که ابن ابی جید در انتقال تراث امامیه، به ویژه کتاب‌های مشهور، نقش مهم و پررنگی داشته است. بر اساس دیدگاه فهرستی، فردی که در طریق کتاب‌های مشهور است، بی‌نیاز از توثیق و تضعیف است و به سخن وی اعتماد می‌شود. مبنای این نظریه امور متعددی است که خاستگاهش را باید در شیوه روایت کردن متقدمان جستجو کرد.

کتابنامه

اعیان الشیعه، سید محسن امین، حسن الامین، بی‌جا، ۱۳۷۱ ش.
تنقیح المقال، عبد الله مامقانی، قم: مؤسسه آل‌البیت، بی‌تا.

- تهذیب الاحکام، محمّد بن حسن طوسی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- تهذیب المقال، موحد ابطحی، بی جا، بی نا، بی تا.
- خلاصة الاقوال، العلامه الحلی، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.
- رجال الطوسی، محمّد بن حسن طوسی، قم: دفترانتشارات اسلامی، اول، ۱۴۱۵ق.
- رجال الکشی، محمّد بن عمر کشی، مشهد: مؤسسه نشر در دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.
- رجال النجاشی، احمد بن علی النجاشی، قم: دفترانتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
- رجال النجاشی، تحقیق و تعلیق: محمّد باقر ملکیان، قم: انتشارات بوستان کتاب، اول، ۱۳۹۴ش.
- الرواشح السماویه، میرداماد، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، بی تا.
- روضة المتقین، محمّد تقی مجلسی، تهران: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ق.
- ریحانة الادب، مدرس تبریزی، تهران: کتاب فروشی خیام، سوم، ۱۴۱۱ق.
- الرعاية فی علم الدرايه، شهید ثانی، تحقیق: عبد الحسین محمّد علی بقال، قم: مکتبه المرعشی العامه، ۱۴۰۸ق.
- سماء المقال، کلباسی، بی جا، بی نا، بی تا.
- طبقات الفقهاء، ابراهیم شیرازی، بیروت: دارالرائد العربی، اول، ۱۳۹۰ش.
- عدة الاصول، محمّد بن الحسن طوسی، تحقیق: محمّد رضا انصاری، بی جا، بی نا، بی تا.
- الفوائد الرجاليه، سیّد مهدی بحر العلوم، تهران: مکتبه الصادق، اول، ۱۴۰۵ق.
- الفوائد الرجاليه، محمّد خواجهوی، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، اول، ۱۴۱۳ق.
- الفهرست، محمّد بن حسن طوسی، النجف: المکتبه الرضویه، بی تا.
- قاموس الرجال، محمّد تقی شوشتری، قم: دفترانتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۱۰ق.
- الکافی، محمّد بن یعقوب کلینی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- کلیات فی علم الاصول، جعفر سبحانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
- مصباح المتهجد، محمّد بن حسن طوسی، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه، اول، ۱۴۱۱ق.
- معجم رجال الحديث، سیّد ابوالقاسم خویی، بی جا، مؤسسه احیاء آثار امام خوئی، بی تا.
- وسائل الشیعه، محمّد بن حسن بن علی حرّ عاملی، تصحیح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، اول، ۱۴۰۹ق.

منتقى الجمعان، حسن بن زين الدين، تصحيح: على اكبر غفارى، قم: مؤسسه النشر الاسلامى، ۱۴۰۳ق.

منتهى المقال، محمد بن اسماعيل مازندراني، قم، بي نا، ۱۴۱۶ق.

من لا يحضره الفقيه، محمد بن على بن بابويه صدوق، قم: دفتر انتشارات اسلامى، دوم، ۱۴۱۳ق.

منهج المقال، محمد استرآبادى، قم: مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، ۱۴۲۲ق.

